

حرف درشت

احترام گازهای نجیب را حفظ کنید

● **بوریا عالمی**: درست است که همه اصلاح‌طلبان یک‌طوری از صحنه سیاسی محو شدند، اما بعضی از اصلاح‌طلبان اوکی هستند و از مجلسی‌به مجلسی دیگر ادامه پیدا می‌کنند. مثلا چه کسانی؟ ما نمی‌دانیم. به این برگت قسم ما نمی‌دانیم. در جدول من‌دلیف به بعضی از استادان می‌گویند گازهای نجیب. گازهای نجیب خیلی کار خاصی نمی‌کنند و به دلیل نجابتشان آن گوشه نشسته‌اند. درواقع گازهای نجیب عناصری هستند که عنصرهای دیگر چون اینها خیلی نجیب و باادب و ماخوذه‌حیا هستند، احترامشان را حفظ می‌کنند. نکته حائز اهمیت بعضی از اصلاح‌طلبان و فعالان سیاسی این است که رفتار اسکرین‌سیور مانتیور کامپیوتر را دارند. چطور؟ این‌طوری که این استادان هر چهار سال یک‌بار یکی دست می‌زند به موس و از حالت اسکرین‌سیور خارج می‌شوند. بعد این استادان را رای می‌آورند یا هرچی، دوباره می‌روند روی اسکرین‌سیور تا چهار سال بعد که باز یکی دست به موس بزند. به قول فیلسوف معاصر، البته معلوم نیست این جمله در اصل مال نیچه یا دکتر شریعتی یا چه‌گوواراست، اما به‌هرحال فیلسوف با احترامات فائقه جمله‌ای دارد که خلاصه خیلی از سیاست‌مداران و اصلاح‌طلبان ماست، چی؟ این: «تو فقط هستی که باشی...». همین. درواقع بعضی از این استادان فقط هستند که باشند. از طرفی وزارت کشور اعلام کرده با توجه به اینکه خیلی از اینها که مجوز فعالیت حزب سیاسی و این چیزبازی‌ها را گرفتند، چون هیچ صدایی نمی‌دهند و هیچ حرکتی ندارند، مجوز وزارت کشورشان باطل شده و باید بروند از وزارت صنایع و معادن مجوز کار بگیرند، چون معلوم است فعالیت اینها یک‌جور فعالیت استخراجی است، خروجی زیادی ندارند، اما اسمشان یک‌طوری خیلی دهان‌پرکن است و آدم فکر می‌کند چه خبر است حالا.

پیشنهاد

درس‌گفتارهای فرهادپور

● درس‌گفتارهای پاییز ۱۳۹۶ مؤسسه «پرسش» با موضوع «مارکسیسم و الهیات» توسط مراد فرهادپور از امروز یکشنبه ۲۶ آذر ساعت ۱۷:۳۰ در مؤسسه پرسش آغاز می‌شود. علاقه‌مندان می‌توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر با تلفن‌های ۸۸۸۲۲۰۱ و ۸۸۸۳۷۶۴۷ تماس بگیرند.

خوش استایل با استایلر

نوآوری ال‌جی برای مراقبت از لباس

LG styler

- طراوت و خوشبویی لباس
- مراقبت بهداشتی و آلرژی زدایی
- خشک کن ملایم و ترمیم خط اتو



شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۲۶ آذر ۱۳۹۶ • ۲۸ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ • ۱۷ دسامبر ۲۰۱۷ • سال یازدهم • شماره ۳۰۲۶ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۰۰ • اذان مغرب ۱۷:۱۳ • اذان صبح فردا ۵:۳۹ • طلوع آفتاب ۷:۰۹

روزنفرها

کارتون خواب

آر‌وین
arvinmad@gmail.com

"روبای غمناکِ تحصیل در کودکان کار"



مرکز ارتباط مشتریان (۲۴ ساعته بدون تعطیلی) ۰۲۱-۸۴۷۳۳۰۳۱
www.lg.com/ir
www.goldiran.ir



سلام به فردا

اعتمادی شکل نگرفته است که از بین برود

پیدا می‌کند. ولی وقتی که من چنین فرصتی را برای تعامل با دیگران نداشته باشم، طبیعی است که آنها برای من بیگانه خواهند بود و به همین دلیل نمی‌توانم به آنها اعتماد کنم. پیش از اعتماد، مسئله تعامل، شناخت متقابل و ارتباط اهمیت دارد. اگر اینها وجود نداشته باشد، مسلما اعتماد نمی‌تواند جریان پیدا کند. بنابراین می‌گویم در عرصه عمومی اعتماد پایین است، چون نتوانسته‌ایم عرصه عمومی را محل تعاملات، ارتباطات، مشارکت و به‌عبارتی هم‌پیوندی میان آدم‌ها قرار دهیم. ما هر روز به جای آنکه عرصه‌های عمومی را برای ارتباط آدم‌ها، دوستی و ایجاد فرصت‌های همکاری گسترش دهیم، خیابان‌ها را گسترش می‌دهیم. برعکس، عرصه‌های بیگانه‌کننده و عرصه‌های شکاف‌افکنانه میان افراد را توسعه می‌دهیم و طبیعی است که اصلا امکان شکل‌گیری اعتماد وجود ندارد که بگویم بی‌اعتمادی وجود دارد. به اعتقاد من، مسئله این نیست که ما اعتماد به همدیگر را از دست داده‌ایم. بیشتر باید بگویم ما اصلا ارتباط و آشنایی نداشته‌ایم که اعتماد به وجود آمده و بعد در اثر مسائلی از بین رفته باشد. بنابراین من اعتماد را فرخ بر وقوع جامعه، تعامل، اشتراک و همکاری می‌بینم. این اگرچه یک رابطه دوطرفه است، به‌نظر از ارتباط، تعامل، همکاری و مشارکت آغاز می‌شود.

منافع را در خانواده انباشته کند و طبیعی است که در این حالت فسادها گسترده می‌شود. به‌این‌ترتیب ما نباید چنین جامعه‌ای را سرزنش کنیم، چون به‌عبارتی خود خواسته‌ایم که فرد فقط در خانواده عضویت داشته باشد و فقط خانواده مهم باشد و روی آن تاکید کنیم. اکنون می‌بینیم که تاکید قوانین کشور بر خانواده است. در حوزه‌های فرهنگی و تربیتی و جامعه‌پذیری فقط تاکید بر خانواده است. این از یک جهت خوب است، اما یک تالی فاسد هم دارد و تالی فاسدش این است که همه تلاش می‌کنند که هرچه هست، وارد خانواده کنند. بعد اتفاقات و فسادهایی که در اخبار می‌شنویم، اتفاق می‌افتد. بنابراین بحث بر سر اعتماد نیست. امروز در عرصه‌هایی اعتماد را داریم. اعتماد در خانواده بالاست. اندازه‌گیری‌های ما نشان می‌دهد که اعتماد افراد به‌شدت به خانواده و کسانی که رابطه سببی و نسبی با آنها دارند، بالاست. در مقابل، اعتماد افراد به عرصه‌های دیگر ضعیف و پایین است و این در واقع به زمینه اصلی برای یک فساد گسترده در چنین جامعه‌ای تبدیل می‌شود.

اعتماد در جایی شکل می‌گیرد که هم‌پیوندی وجود داشته باشد. من اگر از کسی شناختی پیدا کنم و شناخت متقابلی ایجاد شود و به‌تدریج پیوندی مثل پیوند دوستی شکل بگیرد، زمینه اعتماد من افزایش

تجربه دیگران

چرا توئیتر، ترامپ را حذف نمی‌کند...

چندی پیش گاردین گزارشی منتشر کرد که در آن دلایل حذف‌نشدن ترامپ از توئیتر را مطرح کرده بود، اما این روزها با افزایش انتقادات به نحوه استفاده ترامپ از این رسانه اجتماعی، این خواسته جدی‌تر می‌شود. نویسنده گاردین مطلبش را چنین شروع کرده: «تصور کنید ترامپ از توئیت‌کردن دست بردارد، تصور کنید بال‌های یک پرند بسته شود، تصور کنید که دیگر آتش یک جنگ سسته‌ای با سرانگشتان یک سیاست‌مدار روشن نشود» و حالا می‌توان ادامه داد: «تصور کنید که کلمات زشت درباره یک سناتور به کار برده نشود». تصور کنید که ترامپ برندگان وزیرا لاتاری را «بدترین‌ها که باید در سطل آشغال انداخته شوند» نمی‌نامد. ترامپ در شش ماه اول حضور خود بیش از هزارودو توئیت منتشر کرده است (احتمالا کمی بیشتر از تعداد بازی‌های گلفی که انجام داده است، اما نه خیلی بیشتر). این علاوه بر ۸ هزار و ۴۴۸ توئیتی است که در طول مبارزاتش ارسال کرد. اوباما به‌عنوان رئیس قیس‌بوک شناخته شده بود، هرچند در نهایت اوباما با بیش از ۱۱۵هزار بازنشر و داشتن حدود صد میلیون فالوئر موفق‌تر از ترامپ است، اما ترامپ نخستین رئیس‌جمهور توئیتر است.

پیوستن ترامپ به توئیتر بسیار شخصی بود. ترامپ گاهی اوقات از توئیتر به شیوه‌ای سازنده برای اعلام سیاست‌هایش استفاده می‌کند، اما او اغلب مانند یک نوجوان یا یک آدم فضایی صحبت می‌کند. البته، توئیتر، چندان درست با این سوءاستفاده‌ها برخورد نمی‌کند. به‌همین دلیل مدیرعامل سابق، دیک کاستلو، به کارکنانش گفت: «صادقانه شرمنده» است که توئیتر در برخورد با این سوءاستفاده‌ها، درست رفتار نمی‌کند. کاربران نیز بارها اعتراض کرده‌اند و این شرکت اکنون در حالت دفاعی قرار گرفته است. گزارش‌شدن رفتارهای غم‌انگیز، نژادپرستانه و ...، اغلب سبب تعلیق حساب کاربری افراد مشهور شده است. پیش از این توئیتر برای ممنوع‌کردن ترامپ توضیح داده بود که او در توئیت‌هایش اطلاعات و اخبار را منتشر می‌کند و رفتاری کاملا متفاوت با دیگر افراد مشهور در پیش گرفته است، حتی متفاوت با رفتاری که اولین‌بار درباره تهیه‌کننده، هاروی وینستین، رخ داد؛ بزرگ‌ترین داستان سوءاستفاده جنسی چند ماه گذشته. عجیب اینکه توئیتر حتی پس از انتشار پست همراه با ناسزای ترامپ درباره یک نماینده سنا هم تغییری در رفتارش نشان نداد. اکنون این سؤال مطرح است که امکان دارد توئیتر رفتاری شجاعانه و غیرقابل‌تصور انجام دهد؟ اگر موضع گرفت و ترامپ را ممنوع کرد، چطور؟ غیرممکن است؟ هرچند، بزرگان «دره سیلیکون» بارها با او مخالفت کرده‌اند. مدیران قیس‌بوک، گوگل و مایکروسافت از تصمیم ترامپ برای خروج از پیمان آب‌وهوای پاریس انتقاد کردند.

اینتل، نمایندگان Under Armor. Uber و SpaceX (از جمله Elon Musk از شورای فناوری جلوی ترامپ ایستادند. درواقع، بسیاری از نمایندگان شرکت‌های بزرگ از شورای مشورتی اقتصادی ترامپ خارج شدند، به‌طوری‌که او مجبور شد آن را منحل کند، اما مشکل توئیتر، کاملا واضح است، ترامپ قدرتمندترین مرد جهان است – احتمالا اگر او را حذف کند، یک ایده عالی نیست- اما یک دلیل دیگر وجود دارد؛ توئیتر ممکن است به ترامپ نیاز داشته باشد.

رئیس‌جمهور به افزایش حضور در این فضا کمک کرده است و ارزش افزوده‌ای تجاری برای این شرکت دارد، هرچند او فقط دومیلیون کاربر فعال روزانه را به توئیتر اضافه کرده است و همین‌طور ۲۲میلیون نفر را به قیس‌بوک، اما فورس برآورد می‌کند که افزایش سرمایه دو میلیارددلاری برای توئیتر داشته است.



فریده خرمی

چطور فراموش کرده‌ام؟ مگر من گردن‌شکسته برای دیدن الهه زنده به نیال نیامده‌ام؟ مگر می‌شود بدون دیدن او برگردم؟ سایه‌به‌سایه دنبال مرد راهنما می‌روم و وارد حیاط خانه‌ای کوچک و دوطبقه می‌شوم. عجب خانه‌ای! درها و پنجره‌های چوبی و ظرف کهنه‌کاری‌شده سیاه‌رنگ بر زمینه آجری قرمز دیوارها، ساختمان مربع‌شکل را در عین سادگی با وقار و متفاوت جلوه می‌دهد. توی تنها باغچه کوچک وسط حیاط درختی با گل‌های کوچک بنفش روشن روئیده. محلی‌ها خیلی راحت سرشان را می‌اندازند پایین و از یکی از درهای سیاه‌گوشه حیاط وارد می‌شوند و در خم پله‌هایی آجری از دید پنهان می‌شوند تا هدایایشان را تقدیم الهه کنند. اما ورود و دیدار الهه برای خارجی‌ها ممنوع است. گرچه راهنما امیدوارم می‌کند که الهه بزودی برای دقایقی پشت پنجره می‌آید. روی سکوهای حیاط می‌نشینم و بر و بر پنجره‌ای در طبقه دوم را نگاه می‌کنم. حالا توریست‌های دیگری از همه جای دنیا توی حیاط جمع شده‌اند و برای دیدن کوماری (در سانسکریت به معنای شاه‌دخت) بی‌تابی می‌کنند، قلمب توی سینه می‌کوبد. حال عجیبی دارم؛ ملغمه‌ای از هیجان و سرخوشی و حیرت. می‌آید. دخترک نازک‌اندام غمگینی پشت پنجره می‌آید و با صورت مات بی‌تفاوت به من چشم می‌دوزد. از جا بلند می‌شوم، مثل دیوانه‌ها بالا و پایین می‌پریم و دست‌تکان می‌دهم. حس می‌کنم اشتیاق و شوری در نگاهش پیدا شده. حتی نزدیک است لبخند بزند. راهنما می‌گوید که آرام بایستم و ادای احترام کنم. به همان شیوه‌ای که برای دالایی‌ا لاما ادای احترام کرده بودم. توریست‌ها اطاعت می‌کنند. من هم اطاعت می‌کنم. با دست‌های به‌هم‌چسبیده و سر خم‌شده به او ادای احترام می‌کنم. این کار برای الهه هیچ تازگی و لطفی ندارد. برمی‌گردد و در تاریکیِ اتاق ناپدید می‌شود. انگار بخواهد بگوید، اه، خسته شدم از این نمایش تکراری. فرصت نمی‌شود که ببینم گردنی مثل پوسته صدف و بدنی مثل درخت انجیر هندی دارد یا نه. حرفی نمی‌زند تا ببینم صدایش مثل صدای اردک نرم و روشن هست یا نه. دوباره روی سکو می‌نشینم و فکر می‌کنم که آیا کوماری زیبایی کل‌های بنفش وسط حیاط را می‌بیند؟ آیا دلش می‌خواهد هرچه زودتر روزهای بلوغش فرا برسد تا به اندازه تمام سال‌هایی که در این خانه زندانی بوده، شلنگ تخته‌بنداز و بازی کند و فقه‌هه بزند؟ یا ترجیح می‌دهد الهه بماند، چشم‌ها و لب‌هایی با آرایش اغراق‌شده داشته باشد، لباس‌های زربفت بپوشد و بر شانه کاهنان یا در کجاوه این‌ور و آن‌ور برود؟

حالا من و الهه زنده

راهنما بدون اینکه حرفی از پول بزند رفته و من بعدها می‌شوم که هر توریست برای ورود به میدان دور بار کتاماندو باید روزیبه نیال بپردازد و بلیت بخرد. اما هیچ‌کس موقع ورود به میدان یا خروج از آن یقه من را نگرفته و با من حرفی از پول نزده. که اگر زده بود ناچار بودم به هتل مجانی‌ام برگردم و با حسرت دیدار از میدان دوربار به خانه برگردم. طی سفر به نیال با زنان بسیاری آشنا شده‌ام. از رنج‌ها و شادی‌ها، امیدها و آرزوها و ناامیدی‌هایشان باخبر شده‌ام و حالا در حیاط خانه الهه، نشسته بر سکوئی برزهری پنجره خالی طبقه دوم فکر می‌کنم که کدام‌یک قابل‌ستایش‌ترند؟ الهه یا زن جوانی با لبخند و زیبایی خیره‌کننده که در گوشه بی‌نور یک معبد هندو دیده‌ام؟ همان که حق ازدواج نداشت و در خدمت معبد بود، در همان گوشه تارک طرف می‌شست و برای کاهن معبد غذا می‌پخت؟ شاید هم ناچار بود به سنت دوکی‌های نیال خدمات دیگری هم به کاهن یا میدان‌اش ارائه دهد. الهه قابل‌ستایش است یا زنانی که می‌توانند به جای اردوگاه‌های شورشیان در خانه‌های کوچک روستایی‌شان خورش کاری بیزند و هر صبح بچه‌هایشان را به مدرسه ببرند، شاهد بهبودی روزبه‌روز اوضاع برای زنان نیال باشند و یک رئیس‌جمهور زن کمونیست (بیدبا دوی باندری، حامی پرسابقه حقوق زنان) را در قدرت ببینند. الهه قابل‌ستایش‌تر است یا زنان مغرور و جدی‌ای که در شهرها و روستاها، در خیابان‌ها و کوچه‌های شلوغ و بی‌قانون با جاده‌های پرسریلاب و پردهست‌انداز موتورسیکلت‌هایشان را با خون‌سردی و مهارتی باورنکردنی می‌رانند؟ الهه قابل‌ستایش‌تر است یا زنانی که با بسیده‌های حصیری بر دوش، سئکین از میوه یا سنگ و آجر، بارهنه و خسته از صبح تا شام بی‌کلیایه کار می‌کنند؟ آنها که باوجود سختی‌ها و رنج‌ها هیچ فرصتی را برای شادزیستن از دست نمی‌دهند؟ زنان هندو یا بودایی یا مسلمان. زنانی با دین‌ها و خدایان متفاوت که در صلح و آرامش در کنار هم زندگی می‌کنند؟ نمی‌دانم. اما شک ندارم این کوماری، الهه، نابالغ است که برای دیدن این زنان و دوستی و همدلی با آنها من را فراخوانده. اگر الهه را ندیده بودم سفرم چیزی کم داشت و ناتمام می‌ماند. دانه‌های پراکنده گردنبند سفرم را رشته‌ای به هم وصل نمی‌کرد و نیال همان رنگ و معنایی را نداشت که حالا برایم دارد.

بی‌نوشت:

۱- مجموعه‌ای از قله‌ها در رشته‌کوه هیمالیا۲- صعود از ماچاپورچا یا قله‌دم ماهی به‌خاطر مقدس بودن از نظر هندوهای نیال، ممنوع است. ۳- معابد بودایی و هندو که بیشتر آنها ساختار هرمی چند طبقه دارند. ۴- در نیال ۱۰ سال اخیر، قوانین زیادی به نفع زنان تصویب شده است؛ ازجمله اینکه برای داشتن گذرنامه لازم نیست از خوشنواوندان مرز اجازه بگیرند. مثال دیگر اینکه رسم قدیمی تقدیم دختران کم‌سن‌وسال به معبد غیرقانونی اعلام شده است.

دور دنیا

پاپ: در حق سالمندان بی‌انصافی کرده‌ایم

ارچ‌نهادن دارند». دوست‌وشت‌وششمین پاپ کلیسای کاتولیک در دیدار با اعضای این جمعیت گفت: «سال‌خوردگان، آینده مردم نیز هستند. مردم در صورتی آینده دارند که دو عنصر برقرار باشد: جوانان که توانایی دارند و پیشرفت امور برعهده آنهاست و سالمندان که به زندگی، فرزاندگی و خرد می‌بخشند». وی افزود: «من اغلب فکر کرده‌ام که ما در حق سالمندان خود بی‌انصافی روا داشته‌ایم، آنها را کنار گذاشته‌ایم، انگار آنها چیزی برای ارائه به ما ندارند، اما آنها فرزاندگی، عقل زندگی، خرد تاریخ، حکمت وطن و خرد خانواده را در خود دارند و ما به این‌همه نیاز داریم».

پاپ فرانسیس که امروز هشتادویکمین سالگرد تولد اوست، دیروز در رم در دیدار با گروهی از جوانان کاتولیک ایتالیایی به آنها تبریک گفت که در فکر درتماس‌بودن با پدربزرگ و مادربزرگ خود هستند و گفت که سالمندان «خاطره تاریخی هر جامعه» هستند. فرانسیس گفت: «می‌خواهم به شما بگویم که چقدر از آگاهی و آشنایی و نزدیک‌بودن با پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌های این اجتماع قدردانی می‌کنم. این مسئله بسیار زیبا و مهم است، زیرا افراد سال‌خورده حافظه تاریخی هر جامعه هستند؛ ثروتی هستند از جنبه فرزاندگی و ایمان که نیاز به شنیدن، مراقبت